پيشنهاداتي براي مديريت حوزه‌هاي علميه خواهران استان قم

6 آبان 1396

حوزه علميه خواهران به هدف تربيت مبلّغين زن تأسيس شده است. افرادي كه مي‌توانند به سبب تشابه جنسيتي با بانوان جامعه اسلامي، هم بهتر مسائل و مشكلات آنان را درك نمايند و هم بهتر به اين مشكلات پاسخ دهند و مخاطب را متقاعد سازند. بنابراين از يك سو، بايد توانايي «شناخت بهتر» را به اين افراد آموزش داد و از سوي ديگر توان «پاسخ‌دهي» را. البته اين نكته نيز هميشه مدّ نظر هست كه متخلّق بودن به «اخلاق اسلامي» و روش و منش محسنانه و نيكوكارانه مهم‌ترين كليد ارتباط موفق براي تأثيرگذاري در مخاطب است؛ چيزي كه تمام مبلّغين به آن محتاجند.

# برگزاري دوره‌هاي فشرده پاسخ به شبهات

بانوان مبلّغ، حتي پيش از آن‌كه به تبليغ بروند، همان روزهاي نخستي كه پاي به مدارس علميه مي‌نهند، با سيل پرسش‌ها و شبهاتي از سوي آشنايان خويش مواجه مي‌گردند؛ نصف بودن ديه زن، حق طلاقِ مرد، اذن خروج از منزل، نياز به اذن پدر در ازدواج، اجازه شوهر براي خروج از كشور و هزاران مسأله ديگر.

فرصت كم است. نمي‌شود صبر كرد تا صرف و نحو تمام شود و فقه و اصول را آغاز كند. بايد همان روزهاي اول طلبگي، در طيّ يك دوره فشرده، پاسخ چنين شبهاتي را در اختيار طلبه قرار داد تا پاسخگو باشد.

# همكاري با مركز مطالعات زن و خانواده

دفتر مطالعات و تحقيقات زنان اساساً درون حوزه علميه خواهران كار خود را آغاز كرد. دو برادر حوزوي زحمت كشيده و كتابي در حوزه مطالعات زنان نوشته بودند و همين منشأ تشكيل اين دفتر شد. امروز كه اين مركز مستقل شده، اما هنوز بزرگ‌ترين ظرفيت براي حوزه علميه خواهران است؛ سرمايه‌گذاري‌اي كه هنوز به نظر مي‌رسد استفاده شاياني از آن نشده باشد.

افرادي در اين مركز فعاليت كرده و پرورش يافته‌اند كه براي حوزه سرمايه محسوب مي‌شوند. نخستين همكاري در خصوص همان بند شبهات است. يك درخواست، تمام شبهات را فهرست كرده، دوره فشرده را طراحي نمايند. يك استاد هم در اختيار قرار دهند تا اساتيد حوزه را آموزش دهد. اساتيد نيز دوره‌هاي فشرده را برگزار خواهند نمود.

# طرح حضور طلاب جوان در مدارس دختران

طلبه روزهاي اول طلبگي جرأت دارد. احساس قدرت مي‌كند و توانستن. زمان كه بگذرد، با حجم زياد علوم حوزوي كه مواجه گردد، چند سال بعد، جسارت‌ها معمولاً ته مي‌كشد و طلبه علم پيدا مي‌كند چه ضعف علمي عميقي دارد، در مقابل حجم تراث شيعه. تا وقتي اين جهل مركّب وجود دارد، اعتماد به نفسي دارد كه بايد از آن استفاده نمود. چيزي كه همه مدارس دخترانه شهر ما بدان نياز دارند.

مدارس آموزش و پرورش دچار كمبود معلّم هستند. معلّم‌ها معمولاً «تقليل» دارند و مجازند سه چهار زنگ در هفته را كلاس نروند. دولت پول ندارد حق‌التدريسي با آن‌ها حساب كند و هزينه اين جلسات را ظاهراً بدهد. در خيلي از مدارس دخترانه، اين مادرها هستند كه اين زنگ‌ها را پر مي‌كنند. يكي خود را معلّم حجاب مي‌نامد و هر چه خودش در اين باره بداند به بچه‌ها آموزش مي‌دهد. ديگري معلّم هنر مي‌شود و اين زنگ‌هاي خالي را كاردستي و نقاشي.

دو سه ماه كه از آغاز طلبگي گذشت، محتوايي آموزش در اختيار بانوان طلبه قرار مي‌گيرد و اعزام مي‌شوند به مدارس. رايگان. خودشان استقبال خواهند كرد كه تجربه‌اي‌ست براي پيشرفت و همساز با جرأت و جسارت روزهاي اول‌شان. مدرسه‌ها هم خوشحال، بهتر كه زنگ‌هاي خالي‌شان پر مي‌شود.

# مدال‌هاي افتخار و جام‌هاي پيروزي

مبلّغ سرباز است؛ سرباز اسلام. هر تبليغي يك مبارزه است؛ مبارزه با جهل و ناداني بشريت. مبلّغ جهاد مي‌كند و هر كه بيشتر جهاد نمايد؛ كمّاً و كيفاً، اگر كارش بهتر بوده، كار بيشتر و قوي‌تر و بزرگ‌تر را بايد به او سپرد. پس بايد بهترين‌ها را شناخت. تمامي نظام‌هايي كه با سرباز كار دارند و به جنگ مي‌پردازند، درجه و مدال و نشان را جزئي غيرقابل انفكاك از نظام خود مي‌شناسند. نمي‌شود ارتش و سپاه داشت و نشان و مدال نداشت. رتبه‌بندي مبناي تشكيلاتي هر سازمان در جنگ است.

مبلّغ مدال مي‌خواهد. اگر دوره فشرده پاسخ به شبهات برگزار كرديم، آنان‌كه شركت كردند نشان مي‌خواهند. بايد داشته باشند و حق‌شان است. حق مردم هم هست كه بفهمند اين طلبه درجه‌دار است؛ درجه پاسخ به پرسش‌ها. اگر ده جلسه تبليغ رفت، نشان بگيرد. مدالي كه نشان دهد رتبه‌اش افزون شده. اين چه فايده دارد؟!

نخست اين‌كه انگيزه مي‌دهد. رقابت مي‌زايد و اميد مي‌بخشد. اگر دوره‌اي برگزار شود، شركت‌كنندگان داوطلب زياد مي‌شوند.

ديگر اين‌كه استفاده رايگان را ساده مي‌كند. وقتي قرار است پول كمي به طلبه داده شود، تبليغ اگر چه بايد براي خدا باشد، اما انگيزه گرفتن درجه كمك مي‌رساند. بانو به تبليغ مي‌رود، مجلس برگزار مي‌كند، به مدرسه‌هاي دوردست‌تر براي تبليغ، زيرا اميد دارد كه رتبه‌اش بالاتر خواهد رفت.

دكان‌هاي مدرسه‌نرفتگان نيز برچيده و كم‌رنگ مي‌شود. وقتي زنان در گوش هم نجوا كنند كه فلان بانوي طلبه مدال شجاعت گرفته و چهار پنج رتبه تبليغي درخشان دارد، ديگر خانم جلسه‌اي بي‌سوادي را كه سال‌هاست ذهن‌شان را افسون كرده و از دين و ايمان‌شان به شيوه‌اي ناروا كاسته، خرافات را باورشان ساخته و انديشه‌هاي بي‌بنيان را مبناي عقايدشان، راه نمي‌دهند و دعوت نمي‌كنند. امضاي حوزه علميه يا امضاي فلان مرجع موجّه، ابزاري مي‌شود براي جمع كردن بساط بي‌سوادان.

# سامانه 118 خدمات طلاب

همه چيز را كه نمي‌شود حفظ كرد. همه هم كه حافظه قوي ندارند. هميشه هم كتاب و كتابخانه در دسترس نيست. يك سامانه براي حوزه علميه خواهران ضروري‌ست كه راه‌اندازي شود؛ سامانه پاسخ‌دهي سريع به طلاب.

هر بانوي طلبه كه مجوّز تبليغ مي‌گيرد، كد تبليغي دريافت نموده و در كنار آن، شماره تلفني براي تماس‌هاي ضروري. سه نفر در سه شيفت كاري، پشت چند گوشي تلفن و دسترسي سريع به اينترنت. اين تمام چيزي‌ست كه براي شروع لازم است. طلبه گير كرده، از او پرسيده‌اند و پاسخ نمي‌داند، سريع تماس مي‌گيرد و شماره‌اش كه بيافتد، اپراتور مي‌شناسد، يا اگر شماره جديد باشد، كد تبليغي را اعلام مي‌نمايد. اپراتور پاسخ را مي‌جويد و اطلاع مي‌دهد.

هم اعتبار طلبه را ميان مخاطبين وي افزايش داده‌ايم كه نگويند بي‌سواد است و از پذيرش‌شان بكاهد. هم جلوي پاسخ‌هاي من‌درآوردي و خلق‌الساعه را گرفته‌ايم. همه كه تقواي كافي ندارد تا بگويند: نمي‌دانم!

اين سامانه تنها نسبت به طلاب پاسخگو خواهد بود و تخصّصي براي خدمت به طلاب حوزه علميه خواهران. اگر چه بعدها قابل توسعه به بخش‌هاي ديگر حوزه مي‌تواند باشد.

پايان